

## **Russia-US security competition in the Middle East 2015-2020**

**Mahdi Baghi Mojarad<sup>\*</sup>, Saeed Vosoughi<sup>\*\*</sup>  
Shahrooz Ebrahimi<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Russia-US security rivalry is growing sharply in areas such as Eastern Europe (Ukraine crisis), the Middle East (Syria crisis). The Middle East region has become a priority in Russia's foreign policy since 2015 with the serious Russian military presence in Syria. The main question of the present study is what effect has the security rivalry between Russia and the United States in the Middle East had on the security order in the Middle East? The research hypothesis is that the Middle East, especially the Persian Gulf, has a special place in the US security strategy. Russia's efforts to infiltrate the region over the past two decades have intensified US-Russian security rivalries, pushing security arrangements in the region toward a multipolar (balanced / unbalanced) order. Using the theoretical framework of Mersheimer's aggressive realism, the security rivalry between Russia and the United States in the Middle East was examined. The data collection method is library and the research method is analytical. The findings of the study suggest that Russia's re-entry into the Middle East has intensified US-Russian security

\* Ph.D. Student in International Relations, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, mahdibaghi2012@yahoo.com

\*\* Associate Professor, Political Science and International Relations, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), S.vossoughi@ase.ui.ac.ir

\*\*\* Associate Professor, Political Science and International Relations, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

Date received: 2022/07/05, Date of acceptance: 2023/10/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

competition, leading to a shift in security arrangements in the Middle East toward an unbalanced multipolar order.

**Keywords:** Security Competition, Russia, Aggressive Realism, Middle East, Mersheimer Multipola

## رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه ۲۰۱۵-۲۰۲۰<sup>۱</sup>

مهدی باقی مجرد\*

سعید وثوقی\*\*، شهرزاد ابراهیمی\*\*\*

### چکیده

رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در مناطقی مانند اروپای شرقی (بحران اکرین)، خاورمیانه (بحران سوریه) به شدت در حال افزایش است. منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۵ به بعد با حضور نظامی جدی روسیه در سوریه، به اولیوی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه چه تاثیری بر نظم امنیتی خاورمیانه داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که خاورمیانه به ویژه حوزه خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای در استراتژی امنیتی ایالات متحده داشته است. تلاش روسیه در دو دهه گذشته برای ورود و نفوذ به این منطقه به تشدید رقابت امنیتی ایالات متحده و روسیه منجر شده است و ترتیبات امنیتی در این منطقه را به سوی نظامی چند قطبی (متوازن/نامتوازن) می‌برد. با بهره‌گیری از چارچوب نظری رئالیسم تهاجمی مرشاپمر، رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه بررسی شد. روش گردآوری داده کتابخانه‌ای و روش پژوهش تحلیلی کیفی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ورود مجدد روسیه به خاورمیانه به تشدید رقابت امنیتی ایالات متحده و روسیه منجر شده

\* دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان  
mahdibaghi2012@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول)،  
S.vosoughi@ase.ui.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان،  
sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

است و این تشدید رقابت، موجب هدایت ترتیبات امنیتی منطقه خاورمیانه به سمت نظم چند قطبی نامتوازن شده است.

**کلیدواژه‌ها:** رقابت امنیتی، روسیه، رئالیسم تهاجمی، خاورمیانه، چندقطبی مرشایمر

## ۱. مقدمه

رقابت امنیتی ایالات متحده و روسیه در حال بازگشت به دوران جنگ سرد نوینی است. منطقه خاورمیانه یکی از مناطقی بود که در دوران جنگ سرد ایالات متحده و شوروی درگیر رقابت جدی بودند. بعد از حمله ایالات متحده به عراق و سقوط صدام جرقه شروع رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده دوباره زده شد. بحران سوریه زمینه ساز حضور جدی روسیه در خاورمیانه شد. حضور مجدد روسیه در منطقه خاورمیانه به زیان منافع ایالات متحده در منطقه است. روسیه با تقویت مخالفان ایالات متحده به ویژه ایران و محور مقاومت، کشاندن متحدان ایالات متحده مانند ترکیه به سمت خود و فروش تسلیحات به عربستان و ترکیه که از اصلی‌ترین مشتریان تسلیحات آمریکایی در منطقه هستند در راستای تضعیف قدرت ایالات متحده در منطقه خاورمیانه اقدام نموده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه چه تاثیری بر نظم امنیتی خاورمیانه داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که خاورمیانه به ویژه حوزه خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای در استراتژی امنیتی ایالات متحده داشته است و تلاش روسیه در دو دهه گذشته برای ورود و نفوذ به این منطقه به تشدید رقابت امنیتی ایالات متحده و روسیه منجر شده است و ترتیبات امنیتی در این منطقه را به سوی نظمی چند قطبی (متوازن/نامتوازن) می‌برد. هدف پژوهش حاضر این است رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده را بررسی نماید و راهنمایی برای تدوین استراتژی بازیگران منطقه‌ای به ویژه ایران در تعامل با این دو بازیگر خارجی ارائه نماید. اهمیت پژوهش حاضر در این است که ابعاد رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده را در منطقه روشن می‌نماید.

## ۲. چارچوب نظری

واقع‌گرایی مرشایمری بر این نظر است که دولت‌ها همیشه در پی کسب قدرت هستند و به میزان خاصی از قدرت راضی نمی‌شوند. مرشایمر نئورئالیسم را ۱۸۰ درجه می‌چرخاند.

مرشایمر همکاری در عرصه بین الملل را سخت و مشکل می‌بیند. رئالیسم تهاجمی نظریه‌ای است که تضادها را در جهان به آنارشی بودن سیستم بین المللی نسبت می‌دهد نه به ماهیت انسانی. مطابق این نظریه، قدرت‌های بزرگ تمایل دارند که برای محدود کردن یا از بین بردن چالش‌های سایر قدرت‌های بزرگ به دنبال هژمونی و سلطه باشند. مطابق نظر مرشایمر دولت‌ها از قدرت موجود خود راضی نیستند و به دنبال تسلط یا هژمونی هستند تا احساس آسیب‌پذیری خود را در دنیایی ناامن خشنود سازند. مرشایمر استدلال می‌کند که چیزی به نام وضع موجود وجود ندارد. هر قدرت بزرگی با این مسئله روبرو می‌شود که تعیین کند چه میزان از قدرت برای بقایش لازم است. بنابراین به طور مداوم در تلاش برای تسلط بر جهان است تا امکان به چالش کشیده شدن توسط قدرت بزرگ دیگری را از بین ببرد (Duncan et al., 2008:44).

این تئوری بر قدرت‌های بزرگ متمرکز است زیرا این کشورها بیشترین تأثیر را در آنچه که در سیاست بین المللی رخ می‌دهد دارند. سرنوشت و طالع همه دولت‌ها - قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های کوچکتر به طور یکسان - در درجه اول با تصمیمات و اقدامات دولت‌هایی که بیشترین توانایی را دارند تعیین می‌شود. قدرت‌های بزرگ تا حد زیادی بر اساس توانایی نظامی نسبی‌شان تعیین می‌شوند. مرشایمر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی‌اش را بر پنج مفروض اساسی بنیان نهاده است این مفروضات شامل: ۱- نظام بین الملل آنارشیستیک است، ۲- قدرت‌های بزرگ ذاتا دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که به آنها توان صدمه زدن و احیانا انهدام یکدیگر را می‌دهد. دولت‌ها بالقوه برای یکدیگر خطرناک هستند، گرچه برخی از آنها نسبت به دیگران از امکانات نظامی بیشتری برخوردارند و در نتیجه خطرناکتر هستند. ۳- دولت‌ها هرگز نمی‌توانند نسبت به مقاصد و نیات سایر دولت‌ها مطمئن باشند. به ویژه هیچ دولتی نمی‌تواند اطمینان حاصل نماید که دولت دیگر از توان نظامی تهاجمی‌اش ضد آن دولت استفاده نمی‌کند. ۴- نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاست. خصوصا اینکه دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی و استقلال نظم سیاسی داخلی‌شان هستند. ۵- قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلایی‌اند. آنها نسبت به محیط خارجی خود آگاهند و برای بقای خود در این محیط رفتار استراتژیک مناسب را انتخاب می‌کنند (Mearsheimer, 2001:5).

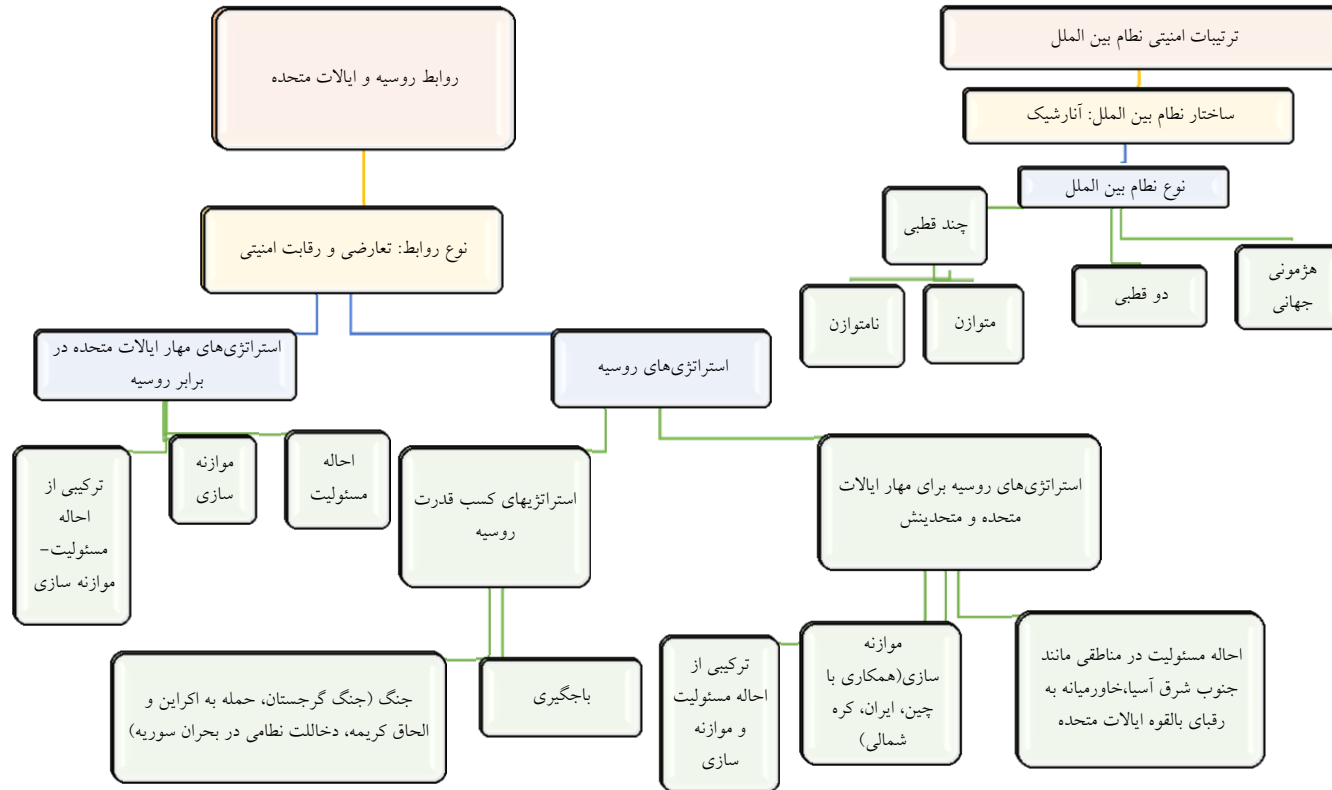
از دیدگاه مرشایمر قدرت‌های بزرگ در تلاش‌اند تا به چهار هدف برسند: ۱- تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای. ۲- قدرت‌های بزرگ قصد دارند تا میزان ثروت تحت اختیار خود در

جهان را به حداکثر برسانند. قدرت اقتصادی اساس و بنیان قدرت نظامی می‌باشد. ۳- قدرت‌های بزرگ می‌خواهند که در موازنه قدرت زمینی برتری پیدا کنند زیرا بهترین راه برای به حداکثر رساندن سهم‌شان از قدرت نظامی است. ۴- قدرت‌های بزرگ به دنبال تفوق هسته‌ای بر رقیبانشان می‌باشند (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۰). مرشایمر انواعی از استراتژی کسب قدرت، مهار و کنترل مهاجمان و استراتژی‌هایی که باید از آنها اجتناب نمود را مشخص می‌کند: جنگ، باجگیری، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش، آتش‌بیاری معرکه جزء استراتژی‌های کسب قدرت هستند. موازنه‌سازی و احاله مسئولیت جزء استراتژی‌های مهار هستند. دنباله‌روی و ساکت‌سازی نیز جزء استراتژی‌های هستند که دولت‌های بزرگ باید از آنها اجتناب نمایند. از دید مرشایمر نظام هژمونی، دو قطبی، چند قطبی متوازن و چند قطبی نامتوازن انواع نظام‌های بین‌المللی هستند. به نظر مرشایمر خصلت‌های نظام بین‌الملل با آغاز قرن ۲۱ هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. جهان هنوز از دولت‌هایی تشکیل شده که در فضایی آنارشیک فعالیت می‌کنند. نه سازمان ملل و نه هیچ سازمان بین‌المللی دیگری توانایی اعمال فشار بر قدرت‌های بزرگ را ندارند. علاوه بر این، هر دولتی تاحدودی از میزانی از قدرت نظامی تهاجمی برخوردار است و دلایل کمی در توجیه تحقق زود هنگام خلع سلاح جهانی وجود دارد. تجارت اسلحه در جهان در حال رشد و رونق است و احتمالاً دغدغه سیاستگذاران آینده بیشتر از اینکه نابودی سلاح‌های هسته‌ای باشد، بر تکثیر و پیشگیری از تکثیر این سلاح‌ها متمرکز است. علاوه بر این قدرت‌های بزرگ هنوز ناگزیرند برای آگاهی از نیات یکدیگر روشی بیابند. برای مثال، کسی نمی‌تواند با هیچ درجه‌ای از اطمینان پیش‌بینی کند که اهداف سیاست خارجی چین یا آلمان در سال ۲۰۳۰ چه خواهد بود. علاوه بر این، هیچ گواه و دلیل خوبی نیست که ثابت کند امروزه بقا برای دولت‌ها، کمتر از قبل از سال ۱۹۹۰ اهمیت دارد. هیچ دلیلی هم در دست نیست که باور کنیم توانایی تفکر استراتژیک قدرت‌های بزرگ با پایان جنگ سرد رو به افول رفته است (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۲۹۳، ۸۵-۱۷۴، ۳۸۴).

از نگاه مرشایمر برای اینکه درک کنیم چرا قدرت‌های بزرگ در دهه ۱۹۹۰ این قدر سر به راه بوده‌اند لازم است نحوه توزیع کلی قدرت در هر منطقه، یعنی میزان قدرت هر کدام از دولت‌های قدرتمند و نیز میزان قدرت آمریکا در هر منطقه را مورد توجه قرار دهیم. لازم است بدانیم نظام (بین‌الملل و منطقه‌ای) حاکم دوقطبی است یا چند قطبی، و اگر چند قطبی است آیا از طریق حضور یک هژمون بالقوه نامتوازن شده است یا نه. نظام‌های دوقطبی صلح

رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در ... (مهدی باقی مجرد و دیگران) ۳۷

آمیخته‌ترین نظام‌ها می‌باشند در حالی که نظام‌های نامتوازن چندقطبی مستعدترین نظام‌ها برای درگیری و جنگ هستند و نظام‌های چندقطبی متوازن بین این دو حالت قرار می‌گیرند (Mearsheimer, 2001: 270). مطابق با چارچوب نظری میرشایمر مدل تحلیل پژوهش حاضر به شکل زیر ارائه می‌شود. براساس مدل تحلیل پژوهش رقابت امنیتی در سطح جهانی (به ویژه اروپای شرقی و خاورمیانه) میان ایالات متحده و روسیه امری گریزناپذیر است.



منبع: اقتباس پژوهشگر از چارچوب نظری واقع گرایی تهاجمی مرشایمر



### ۳. اهمیت خاورمیانه برای روسیه و ایالات متحده

ویژگی منحصر به فرد خاورمیانه در بُعد جغرافیایی آن است که تقریباً به طور کامل در احاطه پنج دریای مهم؛ دریای مازندران، دریای سیاه، مدیترانه شرقی، دریای سرخ (خلیج عدن) و خلیج فارس (تنگه هرمز)، می‌باشد. این آب‌ها نه تنها تعریف کننده خاورمیانه هستند بلکه همچنین به لحاظ استراتژیکی برای قدرت‌های خارجی که در گذشته نیز به دنبال کنترل کامل این آبها بوده‌اند، مهم می‌باشد (Cohen, S. B, 2014: 382). این منطقه با دریاهای مهم آن برای افزایش قدرت ایالات متحده و روسیه از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. دلایل اهمیت این منطقه برای روسیه دسترسی به آب‌های گرم و آزاد این منطقه، مسیرهای نو برای ترانزیت انرژی و به چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده در این منطقه است. وجود ذخایر نفت و گاز نیز عامل دیگری است که خاورمیانه را به نقطه جذابی برای قدرت‌های بزرگ تبدیل نموده است. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه حوزه خلیج فارس به دلیل وجود ذخایر فراوان نفت و گاز و تاثیرات نوسانات قیمت این منابع در اقتصاد جهانی برای ایالات متحده محل نگرانی جدی است. ایالات متحده در این منطقه استراتژیک هم‌پیمانان و متحدانی دارد. اسرائیل گرچه خارج از حوزه خلیج فارس است اما یکی از متحدان ایالات متحده است که به شدت متاثر از تحولات منطقه استراتژیک خلیج فارس است. سوریه گرچه جزء کشورهای حوزه خلیج فارس نیست اما چون دروازه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه است به شدت بر تحولات منطقه خلیج فارس و امنیت اسرائیل تاثیرگذار است. از نظر سوسپدرا سه منطقه در جهان وجود دارد که از نظر استراتژیکی برای ایالات متحده مهم هستند: اروپا، شمال شرقی آسیا و خلیج فارس (Sospedra, Jorge Torres, 2018:12). منطقه خلیج فارس در جغرافیای گسترده خاورمیانه قرار دارد. این منطقه استراتژیکی آمریکا، با ورود روسیه به حوزه پیرامونی آن به ویژه سوریه، همکاری استراتژیکی ایران- روسیه، دوستی روسیه-ترکیه، روابط عمیق روسیه-اسرائیل و فروش تسلیحات روسیه به کشورهای این منطقه در حال تبدیل شدن به حوزه چالش جدیدی میان روسیه و ایالات متحده است. پژوهش حاضر در تلاش است در پنج گفتار به موضوعاتی که منجر به تشدید رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه شده است بپردازد. در گفتار اول، هفت ستون سیاست خارجی روسیه و خاورمیانه بررسی شده است. گفتار دوم، به مبحث، سوریه؛ دروازه استراتژیکی خاورمیانه پرداخته است. گفتار سوم؛ همکاری گسترده ایران-روسیه، گفتار چهارم؛ دوستی روسیه-ترکیه و در گفتار پنجم به روابط عمیق روسیه و اسرائیل پرداخته می‌شود.

#### ۴. گفتار اول: هفت ستون سیاست خارجی روسیه و خاورمیانه

آنجلا استنت (Angela Stent) و سایر محققان و پژوهشگران حوزه روسیه به بحث در مورد استراتژی‌های روسیه پرداخته‌اند. استنت هفت ستون سیاست خارجی پوتین را چنین خلاصه می‌کند؛ اول: پوتین معتقد است، روسیه حق دارد در تمام تصمیمات مهم بین‌المللی کرسی داشته باشد. دوم: منافع روسیه به همان اندازه منافع کشورهای غربی مشروع است. سوم: روسیه در فضای پسا شوروی حق دارد که حوزه‌ای از منافع ممتاز را در اختیار داشته باشد. چهارم: برخی دولت‌ها از سایر کشورها حاکمیت بیشتری دارند. قدرت‌های بزرگی مانند روسیه، چین، هند و ایالات متحده از حق حاکمیت مطلق برخوردارند، به این معنی که آنها آزاد هستند که به هر اتحادی بپیوندند. پنجم: روسیه به عنوان حامی وضعیت موجود، مدافع ارزش‌های محافظه کار، قدرت بین‌المللی که به رهبران جهان احترام می‌گذارد، است. ششم: پوتین معتقد است که منافع روسیه به بهترین وجه توسط یک اتحاد متلاشی غربی تأمین می‌شود. هفتم: روسیه تلاش خواهد کرد تا نظم بین‌المللی پس از جنگ سرد، نظم لیبرال و مستقر و قانون محور ایجاد شده توسط ایالات متحده و اروپا را با نظمی پسا غربی جایگزین کند. برای روسیه، این نظم مطلوب شبیه نظم کنسرتی قرن نوزدهم است که شامل قدرت‌های چین، روسیه و ایالات متحده است که جهان را به حوزه‌های نفوذ تقسیم می‌کنند (یک جهان چند قطبی مطلوب روسیه است) (Stent, 2019: 340-41).

استفن بلانک (Blank, Stephen) بر این نظر است که بی‌شک روسیه با هزینه آمریکا در خاورمیانه پیروز می‌شود. این گسترش استراتژیک دارای سابقه طولانی است:

- یوگنی پریماکف مبانی فکری و سیاسی سیاست‌های فعلی ولادیمیر پوتین در خاورمیانه را پایه‌گذاری کرد.
- پوتین با قاطعیت آن چارچوب را اجرایی نمود و در صورت لزوم، به عنوان مثال برای مقابله با تهدید تروریسم و توسعه قابلیت‌های روسیه ویرایش و اصلاح کرده است.
- این چارچوب ذاتاً ضد آمریکایی است و انگیزه وسواسی برای بازیابی وضعیت قدرت بزرگ روسیه در دوران گذشته را دارد.
- روسیه، خاورمیانه را منطقه اصلی برای دستیابی به اهداف مهم سیاسی داخلی و خارجی می‌داند (Blank, 2018: 28).

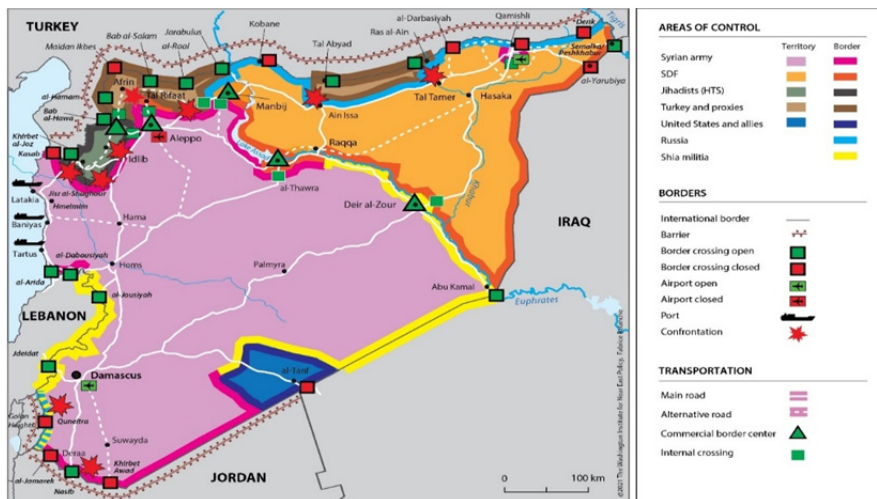
خاورمیانه به دلیل ارتباط ژئوپلیتیکی، نزدیکی به مرزهای روسیه و فراوانی منابع انرژی، مرحله جدیدی برای سیاست خارجی روزافزون فعال مسکو فراهم کرده است. اگرچه منافع روسیه در خاورمیانه به طور کلی نسبت به اروپا اولویت کمتری دارد، اما نفوذ در این منطقه لازم بود تا مسکو به وضعیت ابرقدرتی خود دست پیدا کند. روسیه ترکیبی از عناصر سخت و نرم را نسبت به بازیگران خاورمیانه به کار می‌برد. برای این منظور، ابزار همکاری انرژی و فروش اسلحه برای روسیه در پیشبرد اهداف خود در منطقه بسیار مهم است. کرملین همچنین روابط خود را تقریباً با همه بازیگران منطقه‌ای تقسیم می‌کند و برای دستیابی به حیثیت، تقویت نفوذ سیاسی و بهره‌مندی مالی، شبکه‌های تجارت محوری را تأسیس نموده است. پس از سازماندهی مجدد ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی داخلی، سیاست‌گذاران روسیه با موفقیت شرکت‌های معتبر انرژی و تسلیحاتی مانند لاک اویل، گاز پروم، روس نفت، روس اتم، روسو بورون اکسپورت (Rosoboron export، Rosatom، Rosneft، Gazprom و Lukoil) را به عنوان ستون‌های برجسته سیاست روسیه در خاورمیانه بسیج نمودند (Koç, 2020:104).

## ۵. گفتار دوم، سوریه؛ دروازه استراتژیک خاورمیانه

برجسته‌ترین نقش روسیه در خاورمیانه نقش روسیه در بحران سوریه است. بحران سوریه به بازی بزرگ و پیچیده‌ی روسیه برای به چالش کشیدن ایالات متحده تبدیل شده است. بر سر مسائل سوریه روابط روسیه و ایالات متحده پیچیده‌تر شد. روابط ایالات متحده بر سر سوریه و نقش آن در شمال شرق سوریه با ترکیه؛ متحد ناتوی ایالات متحده، به تیرگی رسید. ترکیه بر سر سوریه و برای مهار گردهای سوریه به روسیه متوسل شده است. هنوز بازی پیچیده پوتین در سوریه در حال اجراست. سوریه برای روسیه به منزله دروازه استراتژیک خاورمیانه و مدیترانه است. بعد از فروپاشی شوروی سابق روسیه در کشورهای منطقه خاورمیانه تنها در سوریه دارای پایگاه نظامی (بندر طرطوس و بندر حمیمیم) بود. بعد از شروع جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ در سوریه، این کشور به میدان تسویه حساب قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است. اسرائیل و عربستان در این سرزمین با ایران زورآزمایی می‌کنند. روسیه قدرت خود را به عنوان قدرتی جهانی در همین کشور به رخ اروپا و آمریکا می‌کشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد، درست مانند دوران جنگ کره در دهه ۵۰ میلادی، عملاً کارکرد خود را از دست داده است (زرگر و معلومی، ۱۳۹۷: ۱۶۲). در بحبوحه بحران سوریه، ایران و روسیه روابط راهبردی باهم ایجاد نمودند و از سقوط بشار اسد جلوگیری نمودند. این روابط به پیچیدگی

مسائل خاورمیانه منجر شده است. روسیه با بهره‌گیری از بحران سوریه به دروازه خلیج فارس (یکی از سه مناطق استراتژیک برای ایالات متحده) رسیده است (اسعدی و منوری، ۱۴۰۰: ۱۸۲). امروزه نزدیک به ۳۵ هزار شهروند روسی در سوریه حضور دارند. روسیه به شدت مخالف دخالت کشورهای دیگر در سوریه است. روسیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را که علیه سوریه تنظیم شده بود و تو کرد تا از این طریق جلوی عملیات مسلحانه مداخله جویانه را در سوریه بگیرد. در واقع روسیه تلاش نمود تا پایگاه خود را در سوریه حفظ کند و از این طریق مانع گسترش نفوذ روزافزون غرب به ویژه ایالات متحده در منطقه خاورمیانه شود (Gholoujeh, 2021:87-88). روسیه و ایران به حل سیاسی بحران و حمایت از دولت سوریه معتقدند و بر مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش و النصرة می‌پردازند. هر دو کشور سوریه را به عنوان پایگاهی استراتژیک برای خود قلمداد می‌کنند که خط نبرد آنان با قدرتهای منطقه‌ای و جهانی است. هر دو کشور برای جلوگیری از نفوذ بیشتر محور غربی، عربی و ترکی در سوریه با یکدیگر همسو هستند. هر دو کشور سعی دارند تا جنگ را از مرزهای خود دور نگاه دارند. اما در رابطه با نقش حزب الله لبنان و تحویل دادن سلاح‌های روسی به این گروه دو کشور با یکدیگر همسو نیستند. از طرف دیگر ایران سوریه را محور مقاومت علیه اسرائیل می‌داند اما روسیه اسرائیل را به عنوان کشوری قانونی به رسمیت شناخته است (شعرباف و جرس، ۱۳۹۸: ۱۴۹). روسیه در بحران سوریه روش خود را تغییر داد و در ابعاد گوناگون و به صورت تصاعدی بر حمایت خود از دولت اسد افزود. در جنگ داخلی در سوریه، روسیه توانست امتیاز استفاده از پایگاه هوایی حمیمیم در استان لاذقیه را برای ۴۹ سال به دست آورد. پایگاه هوایی حمیمیم تنها پایگاه هوایی روسیه در خارج از حوزه اتحاد شوروی بود. در جنگ داخلی در سوریه، ارتش روسیه تأسیسات و سلاح‌های خود را در فرودگاه حمیمیم توسعه داد؛ به طوری که بمب افکن‌های تاکتیکی روسیه بتوانند از باندهای آن به پرواز درآیند. این مورد بدان معنا است که منطقه گسترده‌ای که شامل کل خاورمیانه و نیمی از شمال آفریقا است در دسترس نیروی هوایی روسیه مستقر در این پایگاه قرار دارد. این مشارکت ایران و روسیه بود که سبب گسترش نفوذ و قدرت روسیه در سوریه شد. ایالات متحده موفقیت ایران در حفظ اسد و قدرتمندی محور مقاومت را بخاطر کمک روسیه می‌داند (اسعدی و منوری، ۱۴۰۰: ۲۰۰). بحران سوریه به دلیل درگیری قدرت‌های اصلی، چالش‌های منطقه‌ای و جهانی را نشان می‌دهد. مبارزه برای نفوذ منطقه‌ای بین این بازیگران مختلف باعث منحصر به فرد بودن این درگیری شد. پرونده درگیری سوریه حد و مرز هژمونی ایالات متحده را در متن بین‌المللی

جدید نشان می‌دهد. پس از خروج توافق شده نیروهای امریکایی با ترکیه و تحویل دادن بخشی از خاک شمال شرق سوریه به ترکیه برای ایجاد منطقه امن، اسرائیل را نگران کرد که آنها ممکن است درست مثل گُردهای سوریه، تنها بمانند. این خیانت به گُردها در سوریه تأثیری روی سایر شرکای جهانی امریکایی دارد. این چرخش باعث صدمه بیشتر به روابط ایالات متحده با متحدان اروپایی شد. این امر همچنین اعتبار و تصویر شریکی قابل اعتماد را از ایالات متحده سلب نمود (Aziz, 2020: 22-23). تعدد بازیگران در سوریه و کم اهمیت بودن سوریه برای منافع ایالات متحده موجب شده این کشور جزء اولویت‌های اول ایالات متحده در خاورمیانه نباشد. اما بحران سوریه معادلات امنیتی منطقه را به شدت به هم ریخته است و ایالات متحده ناچار است به سوریه توجه کند. حضور غیرمستقیم و محدود ایالات متحده در چند سال اخیر بیانگر این ناچاری است. آزمون سوریه و اختلافات ایالات متحده و ترکیه بر سر گُردهای سوریه و جدایی ترکیه و ایالات متحده نتیجه‌ی مثبتی برای روسیه بود. بحران سوریه چالشی جدی برای رهبری ایالات متحده در جهان ایجاد نمود. تداوم بحران سوریه و موفقیت روسیه - ایران در همکاری با ترکیه احتمالاً تبعات جدی برای منافع ایالات متحده در خلیج فارس نیز خواهد داشت (Dalay & Keyman, 2019: 3). ایالات متحده در صورتی که به صورت کامل شمال شرق سوریه را ترک کند، روسیه و ایران با هزینه کمتری سوریه را یکپارچه خواهند نمود و برنده نهایی تحولات میدانی سوریه خواهند شد. تداوم بحران سوریه و ناتوانی ایالات متحده در حل این بحران و دست بالای روسیه در سوریه، نشانگر ورود خاورمیانه به ترتیبات امنیتی چندقطبی نامتوازن است (دهشیار و امین آبادی، ۱۴۰۱: ۲۰۱-۲۰۰). با نگاهی به نقشه سوریه و کنترل آن از ناحیه طرف‌های اصلی این درگیری بهتر اوضاع پیچیده سوریه و پیامدهای این بحران برای نظم منطقه‌ای را درک می‌کنیم. محور روسیه - ایران به حکومت بشار اسد کمک نموده است که کنترل ۶۵٪ قلمرو سوریه و ۷۵٪ جمعیت ساکن در سوریه را به دست بگیرد. نیروهای سوریه دمکراتیک که ایالات متحده از آن‌ها حمایت می‌کند کنترل ۲۵٪ خاک سوریه و ۱۷٪ جمعیت ساکن سوریه را در دست دارد. شورشیان که بیشترشان تحت حمایت ترکیه قرار دارند کنترل ۱۰٪ قلمرو سوریه و ۸٪ از کل جمعیت سوریه را در دست دارند. بشار اسد قبل از دخالت روسیه در سوریه در موضع ضعف قرار داشت و حتی به سختی کنترل دمشق را حفظ می‌کرد. این وضعیت به خوبی نشان دهنده قدرت موثر روسیه در معادلات سیاسی و امنیتی سوریه و منطقه است (Balanche, 2021: 2).



نقشه تحولات میدانی سوریه در سال ۲۰۲۱

منبع: [www.washingtoninstitute.org](http://www.washingtoninstitute.org)

با توجه به نقش فعال روسیه در تحولات سوریه و برگزاری مذاکرات آستانه و سوچی به رهبری روسیه برای حل بحران سوریه و پیشروی‌های میدانی روسیه و ایران در چند سال اخیر آینده سوریه به احتمال زیاد به شدت تحت تاثیر اراده روسیه خواهد بود. تسلط روسیه بر دروازه استراتژیک خلیج فارس (سوریه)، به معنی ایفای نقش تعیین کننده روسیه در تحولات آتی منطقه خواهد بود. در شرایط فعلی بخش عمده‌ای از تعارضات ژئوپلیتیکی و راهبردی روسیه با غرب، به ویژه آمریکا در خاورمیانه، به بحران سوریه و نتایج بحران سوریه بازمی‌گردد. سوریه در حال تبدیل شدن به شاه کلید بازی استراتژیک روسیه در منطقه پیچیده خاورمیانه و خلیج فارس است (جمشیدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷-۷۶، ۲: Balanche, 2021).

## ۶. گفتار سوم؛ همکاری گسترده ایران-روسیه

روابط ویژه روسیه و ایران به ویژه در مورد پرونده هسته‌ای، تحویل اس ۳۰۰ (S-300) به ایران از جمله موارد جدی اختلاف روسیه و ایالات متحده است. سرآغاز همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی ایران دقیقا به زمانی بازمی‌گردد که مسکو در سیاست غرب گرایانه خود دچار مشکل شده بود و به این نتیجه رسیده بود که غرب دیگر حاضر نیست روسیه را به عنوان شریکی برابر بپذیرد و در داخل روسیه اعتراضات برای تجدید نظر در رویکرد غرب گرایانه

شروع شده بود. این مساله گرایش اوراسیایی در سیاست خارجی روسیه را تقویت کرد و ایران را به عنوان متحدی در برابر سلطه جویی آمریکا مورد توجه روسها قرار داد. همکاری هسته‌ای با ایران در چنین بستری شکل گرفت و ادامه یافت (ولی زاده و صالحی، ۱۳۹۹: ۳۱۱). با آغاز بحران اقتصادی روسیه در اوت ۱۹۹۸ کرملین در مخالفت با ایالات متحده که شرکتهای روسی را به دلیل همکاری با آزمایش موشکی ایران تحریم کرده بود، بار دیگر در صدد صدور تسلیحات به تهران بر آمد. در نوامبر ۱۹۹۸ موافقتنامه همکاری تخصصی روسیه با ایران امضاء شد. قرار شد که این طرح تا سال ۲۰۰۳ تکمیل شود (عابدی، ۱۳۸۸: ۳-۱۱۲). در ژوئیه ۲۰۰۲ روسیه اعلام کرد که نه تنها کار نیروگاه بوشهر را تمام خواهد کرد، بلکه مذاکرات دو کشور حول فروش پنج نیروگاه دیگر شروع شده است. مسکو بدین ترتیب توانست ایالات متحده را متقاعد کند که برای منصرف کردن روسیه از همکاری با ایران می‌بایست به روش مسالمت آمیزتری روی آورد. از این رو واشنگتن نیز ضمن موافقت با پیوستن روسیه به گروه کشورهای صنعتی، کمک ۲۰ میلیارد دلاری به کشورهای شوروی سابق برای از کار انداختن تجهیزات هسته‌ای باقی مانده از اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داد. هر چند روسیه نسبت به این معامله با ایالات متحده بی میل بود، اما با افزایش جنجالهای تبلیغاتی غرب علیه برنامه هسته‌ای ایران، الکساندر رومیانتسف (Aleksandr Rumyantsev)، وزیر انرژی اتمی روسیه، در ۳ ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد کار اتمام راکتور هسته‌ای بوشهر به دلیل جایگزینی قطعات روسی به جای قطعات آلمانی تا سال ۲۰۰۵ به تأخیر می‌افتد (عابدی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). روسیه در ۴ فوریه ۲۰۰۴ به بیشتر اعضای هیئت رئیسه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، پیوست تا در مورد موضوع ایران در شورای امنیت رأی‌گیری کنند. با پایان یافتن ریاست جمهوری خاتمی در سال ۲۰۰۵ و با اعلام مواضع ضد اسرائیلی که از سوی دولت جدید ایران، دولت محمود احمدی نژاد، اعلام شد، فعالیت‌های هسته‌ای با شدت بیشتری پیگیری شد. پیامد آن فشارهای بیشتر از سوی غرب بود و در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه شدید الحنی علیه ایران و برنامه هسته‌ای آن تصویب شد. روسیه نیز در کنار آن قرار گرفت. فشارها و وعده و وعیدهایی که آمریکا به روسیه در این باره ارائه کرد و تأمین منافی که روسیه در این باره می‌توانست به آن دست یابد، باعث شد تا روسیه با تحریم‌ها علیه ایران همراهی کند (جاودانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲). ایران بار دیگر بر کار مشترک غنی‌سازی تأکید کردند. طرف روسی بیان کرد که این شرایط برای آمریکا و سه کشور اروپایی قابل قبول نیست. گفتگوها به جایی نرسید و پرونده هسته‌ای نه تنها به شورای امنیت ارجاع شد بلکه حاصل آن چندین

قطعنامه علیه ایران بود که در همگی آنها رای روسیه مثبت یا ممتنع بود. در آن برهه زمانی، روابط ایران و روسیه، از جمله در پرونده هسته‌ای ایران نه در چارچوب مشارکت استراتژیک، بلکه در قالب همکاری‌های محتاطانه بود که منافع روسیه را در برداشت (جاودانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰). با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، روسیه دور جدیدی از همکاری با ایران را شروع نمود. پیشرفت مذاکرات هسته‌ای و امضای توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ در نهایت نقطه عطفی مهم شد که سبب شد محدودیت روسیه در همکاری نظامی و تسلیحاتی با ایران کاهش پیدا کند. شاید موافقت روسیه با تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ (S-300) به ایران را که در آوریل ۲۰۱۵ به طور رسمی توسط رئیس‌جمهور وقت روسیه مورد تأیید قرار گرفت، بتوان سرآغاز فصل جدید روابط نظامی دو کشور معرفی کرد. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که پس از سال ۲۰۲۰ و برداشته شدن بخش دیگری از محدودیت‌های تحریمی ایران توسط غرب، همکاری تسلیحاتی دو کشور حتی بیش از پیش گسترش خواهد یافت. این در حالی است که حتی در دوره تحریم‌ها نیز روسیه با استفاده از برخی خلأهای موجود در طرح‌های تحریمی، اقدام به فروش تسلیحات به ایران نموده بود (عزیزی، ۱۳۹۸: ۴۰-۳۰). تحویل سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ (S-300) به ایران به دگرگونی موازنه قوا در منطقه منجر شد.<sup>۳</sup> روسیه برای اولین بار در آوریل ۲۰۱۶ تحویل قطعات غیرنظامی سیستم اس-۳۰۰ (S-300) به ایران را آغاز کرد. گزارشات در آن زمان نشان می‌داد که این قطعات بخشی از نوع ۱- پی‌ام‌یو (PMU-1) بودند. با این حال، در ۱۸ جولای ۲۰۱۶، خبرگزاری تسنیم گزارش داد که ایران نسخه ۲- پی‌ام-یو (PMU-2) اس-۳۰۰ (S-300) را دریافت نموده است. این امر به ارتش ایران مزیتی استراتژیک و قابل توجه در برابر کشورهای منطقه داده است و عملیات هوایی آمریکا را در حریم هوایی تحت حفاظت اس-۳۰۰ (S-300) بطور قابل توجهی پیچیده نموده است. اس-۳۰۰ (S-300) مفروضات برنامه‌ریزی برای عملیات نظامی احتمالی ایالات متحده را به طور قابل توجهی تغییر داد. اس-۳۰۰ (S-300) ایالات متحده را از دستیابی به برتری هوایی به همان سرعت گذشته محدود نمود، عملیات هوایی را طولانی می‌کند و احتمال از دست دادن هواپیماها و خلبانان را افزایش می‌دهد. ارتش آمریکا می‌تواند اس-۳۰۰ (S-300) را نابود یا خنثی کند، اما باید دارایی و زمان قابل توجهی را برای این کار اختصاص دهد. اما این امر تنها با اختصاص هواپیماهای بیشتر، بلکه با پیشرفته‌ترین هواپیماهای رادار گریز ممکن است. ارتش کشورهای عربی و اسرائیل در حال حاضر این توانایی را ندارند که با روش‌های معمول اس-۳۰۰ (S-300) را به



طور موثری شکست دهند. این کشورها در صورت تمایل به حفظ توانایی‌های فعلی خود برای انجام حملات هوایی به ایران، باید پیشرفته‌ترین هواپیماها و سلاح‌های آمریکایی را خریداری کرده و رویکردهای عملیاتی جدیدی را توسعه دهند. در صورت عدم استفاده از این قابلیت‌ها، ایران عنصر مهمی از بازدارندگی منطقه‌ای را در برابر فعالیت‌های خود حذف کرده است. استقرار اس-۳۰۰ (S-300) به تقویت رقابت تسلیحاتی منطقه کمک کرده است (Harmer, Chris, 2016: 1-2). با ورود سامانه‌های پدافندی ۲-پی ام یو اس-۳۰۰ (S-300) از کشور روسیه، بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی افزایش یافته است. تجهیزات هوایی کشورهای رقیب و معارض منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً در ردیف نسل‌های چهار و چهار و نیم قرار دارند و سامانه دفاع هوایی که در عصر حکمرانی این نسل از جنگنده‌ها ساخته شده است، طبیعتاً برای مقابله با آنها بیشترین تأثیر را دارد. در واقع سامانه مذکور تنها برای مقابله با جنگنده‌های اف ۲۲ (F22) سوخو ۵۰ و سایر جنگنده‌های این نسل، ممکن است با ضعف فنی روبه‌رو شود؛ بنابراین این سامانه قادر به مهار انواع موشک‌ها و هواپیماهای پیشرفته و تهدیدات مشابه در کشورهای خاورمیانه است. البته ممکن است جنگنده تاکتیکی اف ۳۵ اسرائیل از رینگ دفاعی این سامانه عبور کند؛ اما تاکنون هیچ آزمایشی در این زمینه صورت نگرفته و احتمال آن در شرایط کنونی بسیار ضعیف است. سامانه ۲-پی ام یو (pmu-2) اس-۳۰۰ (S-300) که در اختیار ایران است توانایی نزدیک به سامانه اس-۴۰۰ (S-400) دارد. پس در شرایط فعلی با احتساب منابع انسانی و امکانات نظامی و موقعیت ژئوپلیتیکی، به نظر می‌رسد این سامانه‌ها بازدارندگی مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران دارند (منیری و میرزاخانی، ۱۳۹۹: ۸۰-۳۷۸). سامانه اس-۳۰۰ (S-300) ایران توازن استراتژیک قدرت را در منطقه خاورمیانه تغییر داد. نتیجه این تحولات افزایش چشمگیر توانایی ایران در دفاع از حریم هوایی خود در برابر همه مهاجمان، از جمله ایالات متحده است. همسایگان ایران اگر مایلند توانایی حمله به اهداف در ایران را حفظ کنند، باید ارتقاء نیروهای هوایی و موشکی خود را در نظر بگیرند و ایالات متحده قبل از اقدام برای حمله به اهداف دیگر در درگیری با ایران، باید برای مجموعه حملات بسیار گسترده‌تر صرفاً برای شکست اس-۳۰۰ (S-300) برنامه ریزی کند. این سامانه دفاع موشکی، بازی استراتژیکی در منطقه است و سیاستگذاران و برنامه ریزان نظامی ایالات متحده باید بر اساس آن فرضیات خود را بازبینی کنند (Harmer, Chris, 2016: 10-20). با تحویل این سامانه به ایران، ایران در برابر ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه موضعی قدرتمند کسب نموده است.

## ۷. گفتار چهارم؛ دوستی روسیه - ترکیه

فروش سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ به ترکیه به شدت به روابط دو متحد ناتو (ایالات متحده و ترکیه) ضربه زد. فروش این سلاح به ترکیه به تعمیق شکاف میان روسیه و ایالات متحده و ایالات متحده و ترکیه انجامید. توافق روسیه و ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۷ برای تحویل سامانه‌های موشکی اس-۴۰۰ (S-400) به آنکارا، نمونه دیگری از عزم روسیه برای توسعه نفوذ خود در حوزه سنتی تجارت تسلیحاتی غرب بود. در این میان، جایگاه ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو سبب شد حساسیت نسبت به اهداف و سیاست‌های روسیه بیش از پیش تحریک شود. البته گزارش‌های اولیه درباره تمایل ترکیه به خرید این سامانه موشکی از روسیه، در پاییز ۲۰۱۶ منتشر و اعلام شد که آنکارا خواستار خرید چهار سامانه موشکی اس-۴۰۰ (S-400) از روسیه به ارزش ۲.۵ میلیارد دلار است. بلافاصله پس از اعلام توافق مسکو برای فروش سامانه اس-۴۰۰ (S-400) به ترکیه، رسانه‌های ترکیه اعلام کردند واشنگتن از هر ابزاری برای اعمال فشار بر آنکارا جهت جلوگیری از اجرایی شدن توافق بهره خواهد گرفت. جوزف دانفورد (Joseph Dunford)، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در این زمینه گفته بود که در صورت نهایی شدن توافق مذکور، این امر نگرانی جدی برای آمریکا خواهد بود (عزیزی، ۱۳۹۸: ۴۰-۳۹). مساله خرید سیستم دفاع هوایی اس-۴۰۰ (S-400) روسیه از سوی ترکیه و واکنش ایالات متحده همچنان به عنوان اصلی‌ترین مساله‌ای است که باعث تضعیف روابط دوجانبه از دیدگاه ایالات متحده می‌شود. با خرید این سیستم، رادارهای آن به روسیه اجازه می‌دهد تا ردیابی دقیق هواپیماهای ناتو-از جمله اف ۳۵ (F-35)، اولین هواپیمای جنگی نسل پنجم ناتو- را ممکن سازد و هدف قرار دادن هواپیماهای ناتو را برای روسیه آسان‌تر کند. این خرید همچنین به عنوان نشانه‌ای از قابل اطمینان نبودن ترکیه به عنوان یک متحد تلقی شد و به اختلافات اساسی بین واشنگتن و آنکارا در درک آنها از موقعیت ترکیه در جهان، تهدید روسیه و نقش و مسئولیت‌های ناتو ضربه وارد کرد. علیرغم هشدارهای مداوم ایالات متحده، اردوغان اقدام به خرید اس-۴۰۰ (S-400) نمود و در ژوئیه ۲۰۱۹ این سامانه دفاع موشکی را تحویل گرفت. ایالات متحده در واکنش به این اقدام ترکیه با اخراج ترکیه از برنامه اف ۳۵ (F-35) پاسخ داد. اردوغان با آزمایش سیستم اس-۴۰۰ (S-400) در اکتبر ۲۰۲۰ و خرید مجدد سامانه‌های دیگر اس-۴۰۰ (S-400) و همچنین جنگنده‌های روسی سوخو-۳۵ و سوخو-۵۷، به اقدامات تنبیهی ایالات متحده علیه ترکیه پاسخ داد (Hoffman, M, 2021:7-9). ترکیه با خرید اس-۴۰۰ (S-400) قانون کاتسای ایالات متحده را تقض کرد که در بخش ۲۳۱ این قانون، افرادی را که با

بخش‌های دفاعی یا اطلاعاتی روسیه معامله می‌کنند، تحریم می‌کند. این قانون دولت ایالات متحده را ملزم می‌کند تا از فهرست، گزینه‌های تنبیهی را انتخاب کند، مگر اینکه رئیس جمهور تصور کند که منافع امنیت ملی ایالات متحده در خطر است و از تحریم‌ها صرف نظر کند، تأیید کند که نهاد تحریم شده دیگر با بخش دفاعی روسیه تجارت نمی‌کند، یا تأیید کند که آنها تضمین‌هایی دریافت کرده‌اند که نهاد تحریم شده در آینده در معاملات عمده مشارکت نخواهد کرد. تحریم‌های احتمالی از گام‌های ملایم و در صورت اهمیت نمادین مانند مسدود نمودن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر مقامات ترکیه تا اقدامات بسیار مهم مانند محرومیت از مجوز واردات کالا یا فناوری ایالات متحده تحت قانون کنترل صادرات اسلحه<sup>۴</sup> را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، رئیس جمهور آمریکا می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا ترکیه به دلیل انجام معامله نظامی با روسیه جزئی تنبیه شود یا به طور کامل دسترسی و تعاملش با صنایع دفاعی آمریکا و در نهایت سیستم‌های مالی ایالات متحده و بین‌المللی قطع شود (Bechev, D., & Köstem, S, 2021: 2). دونالد ترامپ در بیشتر دوره ریاست جمهوری خود به سادگی قانون کاتسا را نادیده گرفت. کنگره ایالات متحده مکرراً سعی کرد این موضوع را از طریق کنترل بودجه دفاعی اجرایی کند. برای بسیاری از نمایندگان کنگره، مسئله اس-۴۰۰ (S-400) در تلاش گسترده تری برای مهار قدرت ریاست جمهوری و تأکید بر اختیارات کنگره در سیاست خارجی مطرح شده بود. کنگره علاوه بر قانون کاتسا، لغو مجوزهای صادرات سلاح برای ارتقاء ناوگان اف ۱۶ (F-16) ترکیه و همچنین موتورهای مورد استفاده در بالگردهای تهاجمی ترکیه را که برای فروش به پاکستان تولید کرده است، در نظر گرفت. در دسامبر ۲۰۲۰، سرانجام کنگره موفق شد ترامپ را مجبور به عمل به قانون کاتسا کند و مکانیسم اجباری را به قانون مجوز دفاع ملی در پایان سال الحاق نمود. این اقدام باعث شد تا دولت ترامپ ریاست اداره صنایع دفاعی ترکیه و چهار مقام ارشد آن را تحریم کند. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت مجوزهای صادرات ایالات متحده به اداره صنایع دفاعی ترکیه و مسدود شدن روادید و دارایی برای مقامات تحریم شده است. تحریم‌ها ۴۰ درصد از واردات دفاعی ترکیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند طرف‌های سوم را از همکاری با ترکیه منصرف کند. در مجموع، پس از آن تحریم‌ها یک هشدار دیگر به ترکیه بود که به این معنی بود که ایالات متحده این موضوع را جدی می‌گیرد و مایل است فراتر برود. امتناع از فروش جنگنده‌های اف ۳۵ (F-35) ترکیه و اخراج برنامه ریزی شده از برنامه کلی مهمترین اقدامات تنبیهی است که تا به امروز انجام شده است (Hoffman, M, 2021: 9). این شکاف که روسیه با زیرکی در میان ترکیه و ایالات متحده ایجاد نمود عواقب امنیتی برای

خاورمیانه و به ویژه تحولات سوریه خواهد داشت. تضعیف رابطه متحدان ایالات متحده و جداسازی متحدانش از ایالات متحده تاکتیک کارآمد روسیه برای تخریب روابط ایالات متحده و ترکیه است. این تاکتیک روسیه در جدا نمودن ترکیه از ایالات متحده و ناتو به تشدید تنش روسیه و ایالات متحده و ترکیه - ایالات متحده منجر شده است (Bechev, D., & Köstem, S, 2021: 4).

### ۸. گفتار پنجم؛ روابط عمیق روسیه و اسرائیل

روسیه نسبت به ایران و اسرائیل؛ دو قدرت رقیب منطقه خاورمیانه، رویکردهای مبهم و گیج کننده‌ی در پیش گرفته است. از سویی روابط عمیق و گسترده با ایران دارد و به نظر می‌رسد روابط تهران-مسکو روابطی راهبردی است. از سوی دیگر به نحو و اشکال دیگر روابط عمیقی با اسرائیل دارد که این نوع روابط با این کشور نیز به نظر می‌رسد روابط استراتژیکی است. اسرائیلی‌ها به روسیه به عنوان شریک خاموش نگاه می‌کنند. ایران به دنبال روابط استراتژیک با روسیه است و حتی در مواردی سطح روابط کنونی با مسکو را استراتژیک می‌دانند (مرادی نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۶). روابط روسیه و اسرائیل با تکامل دیدگاهها و سیاست‌های استراتژیک پس از جنگ سرد، تکامل یافته است. پیشرفت پایدار از زمان احیای روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۱ و به ویژه از زمانی که ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ مسئولیت آن را بر عهده گرفت - نشان دهنده پیشرفت چشمگیر در امنیت ملی اسرائیل و یک مزیت مهم برای سیاست جهانی و منطقه‌ای روسیه است. روابط دو جانبه بهترین وضعیتی است که از سال ۱۹۹۱ و شاید تاکنون داشته است (Bielicki, P, 2021: 23). با توجه به تغییر رویکر روسیه و اولویت یافتن خاورمیانه در سیاست خارجی روسیه، روسیه بر این تاکید دارد که ایجاد ثبات و امنیت در منطقه بدون توجه به جایگاه و موقعیت اسرائیل امکان پذیر نیست. علاوه براین، رهبران روسیه اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل در عرصه نظام بین الملل به ویژه در رقابت با آمریکا قائلند. به این دلیل که اسرائیل و لابی‌های قدرتمندش از یک سو می‌توانند نقش مهمی در روند سیاست گذاری‌های آمریکا و سازمان‌های بین المللی در قبال روسیه ایفاء کرده و از سوی دیگر از این ظرفیت برخوردارند تا روابط روسیه و غرب را در صورت نیاز تلطیف نمایند و یا از فشارهای غرب بر روسیه بکاهند. جایگاه اسرائیل در معادلات منطقه‌ای و بین المللی در تقویت روابط روسیه و اسرائیل نقش مهمی داشته است. مناسبات گسترده و راهبردی مسکو - تل‌آویو و جایگاه مهم اسرائیل در سیاست‌های منطقه‌ای و بین المللی روسیه باعث شده است تا مجموعه دشواری‌ها و

محدودیت‌هایی در فراروی پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سوریه ایجاد شود (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۴). قبل از تحولات ۲۰۱۱ و شروع بحران سوریه، روسیه و اسرائیل روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی مناسبی با یکدیگر داشتند. اسرائیل پهپادهای ویژه برای نظارت در جنگ چچن به روسیه فروخته بود. تحولات بهار عربی و بویژه بحران سوریه به توسعه همکاری روسیه و اسرائیل منجر شد. سطح مناسبات عالی دیپلماتیک، توافقنامه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی و حمایت گسترده روسیه از دغدغه‌های امنیت ملی اسرائیل در خاورمیانه، روابط روسیه و اسرائیل را به سوی گسترده شدن پیش برده است. حضور نیروهای روسی در سوریه، روابط روسیه و اسرائیل را وارد مرحله تازه‌ای نمود. اسرائیل در ابتدا نگران از حضور روسیه و همکاری روسیه با ایران و اسد بود. اما با ایجاد کارگروه مشترکی برای هماهنگی اقدامات روسیه و اسرائیل در سوریه همکاری این دو کشور به دور از تنش ادامه یافت. در دیداری که در سال ۲۰۱۶ میان نتانیاهو و پوتین صورت گرفت توافقاتی در زمینه مهاجرت یهودیان روس تبار و بازگرداندن تانک اسرائیلی که سوریه آن را در سال ۱۹۸۲ در جنگ لبنان به غنیمت گرفته و به روسیه اهدا نموده بود، انجام شد که این نمایانگر روابط دوستانه عمیق دو طرف است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹). روسیه و اسرائیل در همکاری با کشورهای همچون امارات متحده عربی، ترکیه و عربستان منافع مشترک دارند که این امر خود زمینه را برای توسعه روابط سیاسی دو کشور فراهم می‌نماید. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همچون بحران سوریه، جنگ چچن، بحران اکراین و الحاق کریمه به روسیه، روسیه و اسرائیل را به هماهنگی و همگرایی سیاسی و امنیتی بیشتر سوق داده است (Bielicki, 2021: 21). از زمان مداخله روسیه در سوریه در سال ۲۰۱۵، اسرائیل توانایی تأثیرگذاری روسیه بر منافع امنیت ملی خود را به عنوان بازیگری مهم در منطقه می‌داند. منافع این دو کشور به ندرت یکسان بوده است، اما اغلب در هماهنگی قرار دارند. حتی در مواردی که با همدیگر مخالفت می‌کنند، هر دو طرف اهمیت طرف مقابل را به رسمیت می‌شناسند و تلاش‌های قابل توجهی را برای جلب رضایت هم انجام می‌دهند. اسرائیل به عنوان قدرتی منطقه‌ای توانایی مختل کردن معماری استراتژیک برنامه‌ریزی شده مسکو در خاورمیانه را دارد. از سوی دیگر، روسیه با رقبای اصلی اسرائیل در منطقه؛ ایران و سوریه از نزدیک همسایه است و امروز عملاً با اسرائیل در ارتفاعات جولان مرز مشترک دارد. حضور نیروهای روسی مانع و ترمزی برای فعالیت اسرائیل است. اسرائیل امیدوار است که مسکو بتواند نابیان منطقه‌ای خود را مهار کند که اقدامات آنها منافع اسرائیل را تهدید می‌کنند (Melamedov, 2018: 170). چندین

موضوع مهم استراتژیک وجود دارد که اسرائیل و روسیه با یکدیگر اختلاف نظر دارند. مهمترین این موارد مربوط به ایران، سوریه و فلسطین است. روابط روسیه و ایران - به ویژه در حوزه‌های نظامی و هسته‌ای - سالهاست که موضوع اصلی گفتمان دیپلماتیک بین اورشلیم و مسکو بوده است. روسیه روابط مثبت با اسرائیل و ایران را به عنوان دو امر متضاد نمی‌بیند. در عوض، استراتژی منطقه‌ای این کشور بر تقویت همزمان روابط حسنه با ایران و اسرائیل به عنوان دو قدرت مهم منطقه پی‌ریزی شده است. روابط دو جانبه در چارچوب مشخصی گسترش می‌یابد، مرزهای آن به خوبی توسط هر دو طرف (اسرائیل و روسیه) قابل احترام است. به نظر نمی‌رسد که منافع اساسی که پویایی روابط دو جانبه را تعیین می‌کند، به میزان قابل توجهی تغییر نماید. روابط روسیه و اسرائیل همچنان با دوگانگی روابط دوستانه همراه با اختلاف نظرهای جدی در بسیاری از موضوعات منطقه مشخص خواهد شد (Krasna, 2019: 333). در حال حاضر، کرملین در تلاش است تا خشتی بماند و حتی نقش واسطه را در موضوع اختلافات و منازعه ایران و اسرائیل ایفا کند، گرچه بعید است که روسیه بتواند این کار را برای مدت طولانی‌تر انجام دهد. در آوریل ۲۰۱۸، دبیر شورای امنیت روسیه، نیکولای پاتروشف (Nikolai Patrushev)، به طور جداگانه با همتایان اسرائیلی و ایرانی خود - ایتان بن دیوید (Ethan Ben-David) و علی شمخانی، به ترتیب - در سوچی دیدار کرد. برخی رسانه‌ها گزارش دادند که پاتروشف سعی در برقراری ارتباط مستقیم و یا حداقل، روابط غیرمستقیم بین ایران و اسرائیل به منظور خشتی سازی تنش‌ها در منطقه دارد. با این حال، روسیه این موضوع را رد کرد که قصد دارد جلسه‌ای بین بن دیوید و شمخانی ترتیب دهد. آخرین تلاش مشهور روسیه از این نوع در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ اتفاق افتاد؛ مسکو توافقنامه‌ای را به اسرائیل در مورد نگه داشتن نیروهای ایرانی در سوریه در ۱۰۰ کیلومتری مرز سوریه - اسرائیل پیشنهاد داد (Melamedov, 2018: 170-2). روسیه در صورتی که افسران یا مشاوران ایرانی در اماکن نظامی سوریه حضور داشته باشند هیچ کاری نخواهد کرد تا اسرائیل را از بمباران این اماکن منصرف کند، در عوض آن اسرائیل و ایالات متحده پذیرفته‌اند که بشار اسد در قدرت باقی بماند و بر سوریه حاکم شود. با این حال، هنوز مشخص نیست که پوتین می‌تواند برای اجرای پیشنهاد خود برای بازگرداندن توافقنامه ۱۹۷۴ در مورد اختلاف بین اسرائیل و سوریه از چه ابزارهایی استفاده کند. ظاهراً او قصد انجام این کار را دارد اما برنامه‌ای ندارد. بازگرداندن وضعیت موجود در سال ۱۹۷۴ یا اجرای قطعنامه ۳۵۰ شورای امنیت سازمان ملل با شرایط امروز غیرممکن است. محور اصلی دیپلماسی روسیه در شرایط فعلی به طور خلاصه چنین است که پوتین

نمی‌خواهد اسرائیل در سوریه چنان پرخاشگر شود که روسیه مجبور شود کاری را برای دفاع از متحدان ایرانی خود انجام دهد یا با کاری نکردن برای متوقف کردن اسرائیل به هم دستی با اسرائیل متهم شود. در عین حال، مسکو تمایلی ندارد در شرایطی قرار بگیرد که در آن مجبور به انتخاب باشد (Hoffman, M, 2021: ۱۰). در مورد چشم اندازها در سوریه، موضع مسکو از بسیاری جهات به دیدگاه اسرائیل نزدیکتر از موضع ایران است. به عنوان مثال، در اصل، هم روسیه و هم ایران می‌دانند که جایگزینی اسد توسط یک رهبر دیگر برای جامعه جهانی قابل قبول تر خواهد بود. با این حال، تهران تمایل دارد رئیس جمهور سوریه از نظر عقیدتی وفادار به ایران باشد، در حالی که روسیه، مانند اسرائیل، یک رهبر سکولار را ترجیح می‌دهد. در سال ۲۰۱۶، پوتین به اسد پیشنهاد داده بود که پست خود را به یک سیاستمدار روشن فکرتر (در درجه اول سنی یا سکولار) واگذار کند. این پیشنهاد توسط سرلشکر ایگور سرگون (Igor Sergun)، رئیس وقت اداره اطلاعات اصلی روسیه (GRU)، ارائه شد (Krasna, 2019: 334). گرمی روابط روسیه با اسرائیل نیز به نوعی در قالب تاکتیک کشاندن متحدان ایالات متحده به سمت روسیه قابل تحلیل است. این سطح روابط حسنه روسیه و اسرائیل نشانه تلاش روسیه برای از میدان به در کردن ایالات متحده در خاورمیانه است.

## ۹. نتیجه‌گیری

مطابق دیدگاه مرشایمر قدرت‌های بزرگ در رقابت با یکدیگر در پی چهار هدف؛ ۱- تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای ۲- به حداکثر رساندن میزان ثروت تحت اختیار خود در جهان ۳- دستیابی به برتری در موازنه قدرت زمینی (زیرا بهترین راه برای به حداکثر رساندن سهم‌شان از قدرت نظامی است) ۴- قدرت‌های بزرگ به دنبال تفوق هسته‌ای بر رقبایشان می‌باشند. رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در سطح خاورمیانه نشان دهنده تلاش روسیه و ایالات متحده برای دستیابی به این اهداف است. هفت ستون سیاست خارجی روسیه و اهمیت خاورمیانه برای دستیابی به این اهداف بیانگر شدت یابی رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه است. سوریه که به دروازه استراتژیک خاورمیانه نیز از آن تعبیر شد یکی از مهم‌ترین جلوه‌های رقابت امنیتی روسیه در منطقه خاورمیانه است. دخالت نظامی آشکار روسیه از ۲۰۱۵ به شدت به زیان منافع ایالات متحده در خاورمیانه تمام شد. از سویی روسیه با این مداخله خود به حفظ حکومت بشار اسد کمک نمود و مانع فروپاشی حلقه طلایی (سوریه) محور مقاومت به رهبری ایران شد. این مداخله و حفظ بشار اسد منجر به قدرت‌گیری ایران در سوریه و عراق شد و در

نتیجه منافع و نیروهای آمریکایی به شدت در معرض دسترسی ایران و نیروهای متحدش قرار گرفته است. همکاری گسترده ایران-روسیه که در دو بُعد کمک روسیه به برنامه هسته‌ای ایران و فروش تسلیحات روسی به ویژه سامانه موشکی پی‌ام‌یو-۲ اس-۳۰۰ (PMU-2 S-300) از جمله موارد دیگری است که به شدت به منافع امنیتی ایالات متحده در خاورمیانه آسیب زده است. سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ به شدت توانایی ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای‌اش را در حمله به اهدافی در داخل خاک ایران را محدود نموده است. همکاری روسیه با ایران در تحویل این سامانه موشکی، ایالات متحده را در اجرای اقدامات ایران ستیزی ناکام نموده است. همچنین تقویت ایران چه از بُعد تسلیحات دفاع موشکی و نظامی و چه از لحاظ تقویت قدرت هسته‌ای ایران در راستای به چالش کشاندن ایالات متحده قابل تحلیل است. دوستی روسیه-ترکیه که در سایه بحران سوریه و تاکتیک روسیه برای کشاندن متحدان ایالات متحده به سمت خود به وقوع پیوست نیز از موارد دیگر رقابت امنیتی روسیه و ایالات متحده است. فروش سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ (S-400) به ترکیه به شدت روابط ترکیه-ایالات متحده را آشفته نمود. به گونه‌ی که ایالات متحده فروش و مشارکت ترکیه در برنامه جنگنده نسل پنجم اف ۳۵ (F-35) را تعلیق نمود. همچنین مجازات‌هایی علیه ترکیه اعمال نمود. روابط گرم روسیه با اسرائیل نیز حاکی از این است که روسیه برای از میدان به در کردن ایالات متحده در منطقه خاورمیانه به همه بازیگران متحد، دشمن و رقیب ایالات متحده توجه دارد. روابط حسنه روسیه و اسرائیل در سه دهه گذشته به اسرائیل اطمینان خاطر می‌دهد که در نبود ایالات متحده یا تضعیف قدرت ایالات متحده در منطقه خاورمیانه، روسیه می‌تواند به تامین امنیت اسرائیل بپردازد و جای خالی ایالات متحده را با تامین منافع اسرائیل پر نماید. روابط حسنه روسیه با کشورهای مهم منطقه خاورمیانه دست روسیه را باز نموده است تا هم به رقیبان و دشمنان ایالات متحده (به ویژه ایران و سوریه) کمک کند و هم از میان دوستان و متحدان ایالات متحده (ترکیه و اسرائیل) یارکشی نماید. این امر نیز به زیان منافع امنیتی ایالات متحده است. تلاش روسیه در دو دهه گذشته برای ورود و نفوذ به منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به تشدید رقابت امنیتی ایالات متحده و روسیه منجر شده است و ترتیبات امنیتی در این منطقه را به سوی نظمی چند قطبی (متوازن/نامتوازن) می‌برد.



## پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکترای روابط بین‌الملل است.
۲. بر اساس گزارشهای موجود ایالات متحده ۲۰ پایگاه نظامی در شمال سوریه و در مناطق تحت تصرف کردها و التنف (بخشی از خاک سوریه و هم مرز با اردن) تاسیس نموده است. بیشتر نظامیان آمریکا در پایگاههای نزدیک به میادین نفتی دیرالزور مستقر هستند. کل ذخایر نفتی سوریه ۲.۵ میلیارد بشکه تخمین زده میشود و حداقل ۷۵ درصد این ذخایر در میادین نفتی اطراف دیرالزور در شمال سوریه قرار دارد (دهشیار و امین آبادی، ۱۴۰۱: ۲۰۱-۲۰۰).
۳. کارشناسان معتقدند که ایران می‌تواند سامانه موشکی روسی اس-۴۰۰ تریومف را یا به صورت مستقیم از روسیه و یا از طریق کشور میانجی مانند چین خریداری کند. در حال حاضر، هیچ مانعی نمی‌تواند مانع از خرید اس-۴۰۰ توسط ایران شود، زیرا سازمان ملل متحد تحریم‌های تسلیحاتی اعمالی علیه ایران را لغو کرده است (دیپلماسی ایرانی، خرداد ۱۴۰۰).
۴. این قانون بیشتر از اینکه به تعاملات نظامی با دولتهای خارجی بپردازد، فروش تسلیحات دفاعی ایالات متحده را اداره می‌کند.

## کتاب‌نامه

- اسعدی، بهروز، منوری، سید علی. (۱۴۰۰). «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید: اتحاد استراتژیک یا همگرایی منافع». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۸۱-۲۱۰.
- اشرفی، ا. و بابازاده جودی، ا. (۱۳۹۴). «سیاست خارجی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه». مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۴۳-۶۵.
- اکبر ولی زاده، محمدرضا صالحی، (۱۳۹۹). «مولفه‌های تاثیرگذار بر همکاری امنیتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی»، نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۳، شماره ۲۶، صص ۲۹۹-۳۲۳.
- تخشید، م. و شجاع، م. (۱۳۹۸). «حفظ قلمرو نفوذ: تبیین بر سیاست خارجی روسیه در برابر بحران سوریه». مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۳۰۹-۳۲۵.
- دهشیار، حسین، امین آبادی، سید محمد. (۱۴۰۱). «نقش ژئوپلیتیک در تشدید بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه)». فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۸، شماره ۶۵، صص ۱۸۷-۲۱۵.
- رشیدی، احمد، اختیاری، رضا، شفقت نیا، جواد. (۱۳۹۸). «روابط مسکو - تل‌آویو و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه». مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۹، صص ۴۵-۷۲.
- زرگر، افشین، معلومی، فاطمه السادات. (۱۳۹۷). «جنگ داخلی سوریه و افزایش تقابل روسیه و آمریکا در خاورمیانه». فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۲، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۸۶.

۵۶ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

- سعیدی نژاد، حمید رضا و جمشیدی، محسن و انگاشته، لمعیه. (۱۳۹۸). «دومینوی آمریکا و روسیه در سوریه»، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۵-۹۰.
- شعرباف، جواد، جرست، هاجر. (۱۳۹۸). «روابط روسیه و اسرائیل در پرتو نقش منطقه‌ای ایران». فصلنامه روابط خارجی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۷۰.
- عابدی، ع. (۱۳۸۸). «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه». راهبرد، ۱۸(۵۱) ویژه بررسی‌های سیاست خارجی، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- عزیزی، ح. (۱۳۹۸). «تجارت تسلیحاتی روسیه با غرب آسیا؛ اهداف و پیامدها». امنیت پژوهی، دوره ۱۸، شماره ۶۶، صص ۲۹-۵۳.
- کوشکی، محمد صادق، طاهری بزی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)». مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۴۳-۶۲.
- محمدی نودهکی، مجتبی، اصغری، محمدرضا، جاودانی مقدم، مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی سیاست خارجی روسیه در مورد جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران)». سپهر سیاست، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- مرادی نیا، س.، و پیشگاهی فرد، ز.، و یزدان پناه، ک.، و زارعی، ب. (۱۳۹۸). «تأثیر ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا بر رقابت آنها در جنوب غرب آسیا». نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۶۰.
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸)، تراژدی سیاست قدرهای بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- منیری، کامل، میرزاخانی، رسول. (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی سامانه دفاع هوایی S-۳۰۰ در دکتترین نظامی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد بازدارندگی منطقه‌ای. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۳۸۳-۳۶۰.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۶). واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۲۸-۸۹.

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2002795/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%85%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D8%B3-%DB%B4%DB%B0%DB%B0-%D8%A8%D8%AE%D8%B1%D8%AF>

- Aziz, L. (2020). "The Syrian Kurds in the US foreign policy: Long-term strategy or tactical play". Centre d'étude des Crises et Conflits Internationaux.
- Blanche, Fabrice (2021). "The Assad Regime Has Failed to Restore Full Sovereignty Over Syria". The Washington Institute for Near East Policy. Policy Watch 3433.
- Bechev, D., & Köstem, S. (2021). "Russia-Turkey Relations". Russian Analytical Digest (RAD), 270.

- Bielicki, P. (2021). "Russian-Israeli Relations during the Reign of Prime Minister Netanyahu: Abrasive Friendship or Realpolitik?". *Historia i Polityka*, 43(36), 9-30.
- Blank, S. (2018). 2. "The Foundations of Russian Policy in the Middle East". in *RUSSIA IN THE Middle East*, p28.
- Blank, S. (2019). "Triangularism old and new: China, Russia, and the United States". In *Sino-Russian relations in the 21st century* (pp. 215-241).
- Cohen, S. B. (2014). "Geopolitics: The geography of international relations". Rowman & Littlefield.
- Dalay, G. (2021). "Turkish-Russian relations in light of recent conflicts: Syria, Libya, and Nagorno-Karabakh (No. 5/2021)". SWP Research Paper.
- Duncan, W. R., Jancar-Webster, B., & Switky, B. (2008). "World politics in the 21st century". New York: Longman.
- Gholoujeh, Y. G. (2021). "The Effect of Probable Alignment of America in Trump Era (2020-2016) in Fighting against Daish on the Foreign Policy of Arabia". *Acta Universitatis Danubius. Relationes Internationales*, 14(1), 78-90.
- Harmer, C. (2016). "The strategic impact of the S-300 in Iran". Critical Threats Project: August.
- Hoffman, M. (2021). "Flashpoints in US-Turkey Relations in 2021" . Assessed April, 1, 2021.
- Koç, M. A. (2020). "Russia in the Middle East: A New Perspective on the Corporatization of Foreign Policy". *International Journal of Kurdish Studies*, 6(1), 104-119.
- Krasna, J. (2019). "Moscow on the Mediterranean". *Zeitschrift Osteuropa*, 69(9-11), 333-350.
- Mearsheimer, John J (2018). *Great delusion: Liberal dreams and international realities*. Yale University Press.
- Mearsheimer, John, J., (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: Norton.
- Melamedov, G. (2018). "Putin and the Iranian-Israeli Conflict". *Israel Journal of Foreign Affairs*, 12(2), 163-178.
- Sospedra, J. T. (2018). "Relations between USA-Russia: a new cold war? The moment of Trump". Instituto Español de Estudios Estratégicos.